

۱۳ آبان: این موج را سرِ بازایستادن نیست!

سران ضدخلفی جمهوری اسلامی که از هفته ها قبل از عزم مردم جهت به صحنه آمدن آگاه بودند خود را آماده مقابله با تظاهرات ضد حکومتی کرده بودند. به همین دلیل هم در روز ۱۳ آبان کوشیدند تا با فرستادن هزاران تن از نیروهای مزدور خویش و فرق کردن خیابانها از همان ابتدا از توده های خشمگین زهر چشم بگیرند و مانع تجمعات ضد حکومتی آنها شوند. به موازات کاربرد این تاکتیک، نیروی سرکوب رژیم با قساوت تمام هر تجمع اعتراضی را وحشیانه مورد یورش قرار داده و از ضرب و شتم مردم و دستگیری کوتاهی نکرد. این همه در حالی بود که اصلاح طلبان مرتجع حکومتی نیز با استفاده از تمام امکاناتشان کوشیدند تا همچون ماه های اخیر در تداوم پیشبرد رسالت خویش با تمام قوا جلوی رادیکالیزه شدن جنبش توده ها را بگیرند. آنها در همه جا و با استفاده از امکانات وسیع تبلیغی شان نسبت به سردادن شعارهای "نامطلوب" و "ساختار شکنانه" که به نفع دشمنان و گروه های مخالف "نظام" تمام می شود به مردم هشدار داده و مخالفت خود را با حرکات و شعارهای انقلابی توده های زحمتکش و بجان آمده ابراز داشتند. اما برغم تمامی این تلاشها که در واقع هم جهت با دیگر جناح های درونی رژیم می باشد، اوضاع در مسیر دلخواه مرتجعین حاکم پیش نرفت.

صفحه ۲

تظاهرات ضد حکومتی ۱۳ آبان در شهرهای تهران، شیراز، مشهد، اصفهان، اراک و ... بار دیگر نشان داد که این جنبش پرشور را سر بازایستادن نیست. حضور ده ها هزار تن از توده های به پا خاسته بر علیه نظام دیکتاتوری حاکم در روز ۱۳ آبان ، آنهم برغم تمامی تهدیدات و تمهیدات سران رژیم جمهوری اسلامی برای مرعوب ساختن و خانه نشین کردن توده ها، یکبار دیگر واقعیت ورشکستگی تمام عیار حکومت و تداوم عزم و پتانسیل انقلابی مردم بر علیه سرکوبگران حاکم را به منصف ظهور رسانید. در ۱۳ آبان امسال **پژواک شعارهای قدرتمند "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر دیکتاتوری"، "مرگ بر اصل ولایت فقیه"، "رهبر فائله، ولایتش باطله"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "نترسید نترسید ما همه باهم هستیم"، "کهریزک، شکنجه، تجاوز، دیگر اثر ندارد"، "نه منت آمریکا، نه دولت کودتا"، و ... که همگی بیانگر تضاد آشتی ناپذیر مردم به جان آمده با کل دستگاه ضد خلقی حاکم و مظهر بارز آن یعنی ولی فقیه (راس نظام دیکتاتوری حاکم) می باشند، لرزه بر جثه کرپه "ولی فقیه" و همه ذوب شدگان در "ولایت مطلقه فقیه" انداخته و خبر ضرورت سرنگونی قطعی ارتجاع حاکم را هر چه بیشتر در فضای ملتبه جامعه ما پراکند.**

تخریب سنگ قبر جانبازگان تظاهرات اخیر. جنایت دیگری از دژخیمان جمهوری اسلامی!



عکس مزار جوان جان باخته سعید عباسی، قبل و بعد از تعرض مزدوران حکومت!



مزدوران آبرویخته رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اخیرا در یک اقدام منفور و ضد خلقی اقدام به شکستن سنگ قبرهای تعدادی از جانبازگان خیزش بزرگ توده ای کرده اند. در روزهای اخیر تعدادی از خانواده های داغدار جانبازگان خیزش بزرگ مردم بر علیه جمهوری اسلامی به افشاگری بر علیه این عمل جنایتکارانه مزدوران حکومت زده و کوشیده اند تا صدای دادخواهی خود بر علیه این اقدام ضد مردمی را به گوش همگان برسانند. مطابق اظهارات خانواده سعید عباسی یکی از جانبازگان وقایع اخیر ، مزدوران حکومت از آنجا که تحمل دیدن نام شهید را بر روی سنگ قبر این عزیز نداشته اند مانند خفاشان شب پرست در خفا به آرامگاه او حمله کرده ، سنگ قبر این جوان آزاده را شکسته و نوشته های روی آن را نابود کرده اند تا به خیال خام خود آثار جنایات خود را پاک کنند.

اما دیدیم که حتی این اقدامات ضد خلقی نیز نتوانست اهداف شوم جمهوری اسلامی را در سرکوب و کنترل جامعه متحقق سازد؛ و دیدیم که سر انجام نتایج جنایات جمهوری اسلامی در کشتار و قتل عام بهترین فرزندان مبارز مردم در آن دهه خونین، همچون آواری بر سر سازماندهندگان خراب شده و شعارها و آرمانهای آزادیخواهانه آن نسل انقلابی دوباره در فریاد های مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر دیکتاتور در سراسر جامعه طنین افکن شد.

امروز نیز توسل به تکرار آن اقدامات تبهکارانه در شکستن سنگ قبر شهدا عاقبتی جز رسوایی بیشتر برای جنایتکاران حاکم نخواهد داشت که نتیجه آن نیز هموار کردن هر چه بیشتر راه برای نابودی خویش و انداخته شدن به زیاله دان تاریخ با قدرت توده های جان به لب رسیده ایران است. در حقیقت، آنها با این اعمال جنایتبار تنها خنجر کینه و انتقام خلق را بر علیه خود تیز و تیز تر خواهند کرد.

البته این اقدام ضد خلقی مزدوران حکومت سیاست تازه ای نبوده و نیست. همه به یاد دارند که در اوج خفقان و کشتارهای دسته جمعی انقلابیون و مبارزین در دهه ۶۰، یعنی در زمان زمامداری میر حسین موسوی جنایتکار، سیاست شکستن سنگ قبرهای اعدام شدگان توسط مزدوران جمهوری اسلامی امری رایج بود. آنها نه تنها سنگ قبرهای مبارزین را در هم می شکستند بلکه خانواده های شهدا را تهدید می کردند که اجازه تعمیر، مرمت و یا گذاشتن سنگ قبر جدید بر روی قبر عزیزانشان را ندارند. به این ترتیب یکی از رسوائین سیاستهای کثیف و دردناک رژیم جمهوری اسلامی بر علیه مردم ما در آن سال های سیاه به نمایش گذاشته شد.

در آن زمان نیز مزدوران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با ارتکاب به این گونه پستی ها نه تنها می خواستند تا به خیال خامشان هر گونه اثری از جنایات کثیف خود را پاک سازند، بلکه با این اعمال تبهکارانه می کوشیدند تا روحیه خانواده های قهرمان و پایدار اعدام شدگان و زندانیان سیاسی را نیز خرد کنند.



خیزش اخیر در دست "اصلاح طلبان" است نیز از ویژگی های دیگر این تظاهرات بود. واقعیتی که به نوبه رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر اعتراضات مردمی و تضعیف توانائی های اصلاح طلبان حکومتی در انحراف مسیر جنبش توده ای و محدود کردن آن در چهارچوب اختلافات جناح های درونی نظام دیکتاتوری حاکم را بیان نموده و در عین حال نشانگر به تحلیل رفتن آشکار حضور طبقات مرفه در این جنبش و وسعت یابی حضور توده های تحت ستم دیده در آن می باشد.

بر پائی تظاهرات در شرایط پلیسی حاکم بر جامعه و علیرغم همه بگیر و به بندها و اعمال وحشیانه ترین اعمال در زندان ها در حق نیروهای متعرض و مبارز در جامعه و شعارهای رادیکال ۱۳ آنان، صفحه دیگری از نمایش قدرت توده ها و تاکید بر این حقیقت بود که مردم ما جمهوری اسلامی و هر چه را که نشانی از این حکومت منحوس دارد را نمی خواهند. درست به همین دلیل است که بلافاصله پس از اتمام این حرکت، رزمه آماده شدن جوانان و توده های مبارز و دلیر برای نشان دادن خشم و نفرت خود از سردمداران جمهوری اسلامی و نظام دیکتاتوری آنان در ۱۶ آذر در بطن جامعه به گوش می رسد. واقعیتی که نه تنها سران و گردانندگان جمهوری اسلامی بلکه حتی قلم به مزدان جیره خوار طبقه مرتجع حاکم را در برخورد به رویدادهای ماه های اخیر هر چه بیشتر بیمناک ساخته و صدای آنان در "هشدار" دادن به مقامات حکومت را بلند تر کرده است.

در همین ارتباط صادق زیبا کلام که همانطور که گفته شد یکی از خودی های جمهوری اسلامی بوده و به عنوان یکی از دانشگاهیان مدافع نظام و رفسنجانی شناخته می شود، با دیدن حضور گسترده مردم به جان آمده در خیابانها و درگیری های آنان با نیروهای نظامی رژیم هراسناک شده خطاب به گردانندگان جمهوری اسلامی و بویژه جناح حاکم می نویسد: **"تظاهرات ۱۳ آنان حداقل دو نکته را برای نظام و برای کل جامعه ایران مطرح می کند. یکی اینکه سرکوب تظاهرات با شدتی که در سیزده آبان اعمال شد بی سابقه بود. یعنی به جای اینکه سعی کنند معترضان را متفرق کنند آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و یا حتی از شلیک گلوله های ساچمه ای استفاده کردند." او سپس با زیر سوال بردن "سرکوب" صرف به مثابه یک راه "بلند مدت" برای حفظ نظام ارتجاعی حاکم ادامه می دهد "آیا این واقعا راه و روش بلند مدت درستی برای رویارویی با این مسائل است؟ ... چرا دهها هزار نفر علیرغم اینکه می دانند دستگیر می شوند و با آنها برخورد می شود به خیابان ها می آیند؟ آیا راه چاره فقط این میزان خشونت است؟ آیا این شیوه ها و تاکتیک ها در جوامع دیگر و در گذشته جوابگو بوده است؟". آنچه در این اظهارات دیده می شود در واقع انعکاس ضعف جمهوری اسلامی در مقابل قدرت توده های ایران علیرغم غیر متشکل بودن آنهاست. واقعیت این است که اگر خودی ها هم اعتراف می کنند که حتی "این میزان خشونت" نیز برای سرکوب توده های پیا خاسته ما چاره ساز نیست این خود با آشکاری هر چه تمامتر بن بست و ناتوانی جمهوری اسلامی را در هم شکستن جنبش توده ای به نمایش می گذارد.**

با دیدن این واقعیت و با مشاهده عزم انقلابی توده ها برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است که "دلسوزان" نظام هم -که فصدی جز خدمتگزاری به نظام دیکتاتوری حاکم و مصون نگهداشتن آن از ضرب شست توده های استثمار شونده ندارند- به تکاپو افتاده اند تا در جستجوی راه "چاره" ای باشند که بقای سیستم استثمارگرانه حاکم و تمامی مظاهر ننگین و ضد خلقی آن را در "دراز مدت" تضمین سازد. به این اعتبار ۱۳ آبان امسال را باید روز بزرگ مبارزاتی ای در جنبش رهایی بخش کارگران و خلقهای ستمدیده ما بر علیه دشمنان ارتجاعی شان یعنی جمهوری اسلامی و استبداد حاکم به حساب آورد.



صحنه ای از اعتراضات توده ای ۱۳ آبان در تهران

مشاهده صحنه های هر چند محدود که در ماه های اخیر پس از هر حرکت بزرگ توده ای برای نمایش در افکار عمومی در دستگاه های ارتباط جمعی برگزیده و دستچین می شوند، نشان داد که در ۱۳ آبان مقامات و مزدوران جمهوری اسلامی مصمم و قاطعانه در راستای سرکوب مردم از هیچ اقدام جنایتکارانه ای خودداری نکردند. تصاویر تکان دهنده شکافتن سر و صورت جوانان و زنان در اثر ضربات باتوم جیره خواران حکومت، ضرب و شتم دیوانه وار تظاهر کنندگان و حتی عابران، شلیک گاز اشک آور و بالاخره شلیک گلوله های ساچمه ای به میان جمعیت و همزمان دستگیری وحشیانه صد هاتن از جوانان و مردم و بویژه دختران فعال مظنون به شرکت در تظاهرات ۱۳ آبان پیش از هر چیز نشان داد که برغم این "سرکوب بی سابقه" (اصطلاحی که صادق زیبا کلام، یکی از خودی های جمهوری اسلامی، از مزد بگیران طبقه حاکم در توصیف رفتار نیروهای سرکوب در ۱۳ آبان بکار برد)، این موج را سر باز آمدن نیست؛ به طوری که تهدیدات و اعمال قهر ضد انقلابی جناح حاکم و اصلاح طلبان هیچکدام نتوانستند از فریاد شعار های ساختارشکنانه توده های به پا خاسته بر علیه جمهوری اسلامی در این روز جلوگیری کنند. تظاهرات ۱۳ آبان کیفیت های برجسته و مهمی را در روند خیزش توده ای ماه های اخیر به نمایش گذارد.

اولا وقوع همزمان تظاهرات توده ای در تهران و چند شهر مختلف با شعارهای رادیکالتر وسیع تر از پیش بر علیه دیکتاتوری حاکم نشان داد که اعمال سرکوب و کشتار و بگیر و بندها و حتی تبلیغ تجاوز به مردان و زنان آزادیخواه در سیاهچالها در ماه های اخیر جهت ترساندن آنها، تاکنون قادر به متوقف ساختن سیر جنبش توده ای و خفه کردن صدای اعتراض حق طلبانه توده ها نبوده است.

ثانیا، دست زدن به اقداماتی نظیر پاره کردن تصاویر منحوس خامنه ای جنایتکار و لگد کوب شدن آنها در زیر پای جوانان دلیر و در میان فریاد شوق آنها، مشارکت و از خودگذشتگی تحسین برانگیز زنان در این تظاهرات و فریاد هر چه پر شورتر شعارهای ضد "ولی فقیه" و ضدحکومتی توسط آنان در جلوی صفوف تظاهرات، مقابله توده های خشمگین با دست خالی در مقابل گله های ضد خلقی تا بن دندان مجهز پاسدار و گارد و بسیجی، همه اینها نشان داد که موج بزرگتری از آتشفشان خشم جنبش توده های نامتشکل اما مصمم و پرشور در زیر پای جمهوری اسلامی در حال حرکت است که به شرط برخورداری از یک جهت صحیح و رهبری انقلابی، موجد تغییرات مبارزاتی تاریخی ای به نفع توده های تحت ستم خواهد شد.

ثالثا، تقلیل آشکار حجم شعارهای رفرمیستی و کم عمق در صفوف تظاهر کنندگان و کاهش چشمگیر حضور "شال سبزی ها" در ۱۳ آبان برغم تلاش های آشکار بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستها در برجسته کردن و القا این که "رهبری" بلا منازع



صد ها میلیارد دلار در آمد نفت در کام واردات

از بازار امپریالیست ها!

کشاورز زحمتکش شاغل در صنایع چای سازی و نیشکر در دوره خاتمی و احمدی نژاد اتفاق افتاد و منجر به خانه خرابی و بیکاری و ورشکستگی و گرسنگی آنان و خانواده هایشان در سالهای اخیر شد واقعیت فوق یعنی ماهیت ضد خلقی سیستم اقتصادی حاکم بر کشور ما را هر چه بیشتر اثبات می کند.

همانطور که گفتیم برتری واردات بر صادرات یکی از خصوصیات نظام اقتصادی وابسته حاکم بوده و ویژگی دولت مشخصی نیست. برای نمونه در سالهای زمامداری دولت رفسنجانی مزدور نیز دیدیم که چگونه سیاست واردات بی رویه کالا که بدینال چوب حراج زدن بی سابقه او به منابع نفت و گاز مملکت در بارگاه کمپانی های نفتی و دول امپریالیستی صورت پذیرفت هزاران تن از کارگران و توده های زحمتکش را به ورطه هولناک بیکاری و فقر و گرسنگی انداخت. در آن دوره نیز اقدام رفسنجانی مزدور و غارتگر به اخذ میلیاردها دلار قرض با شروط و بهره های کمر شکن از بانکها و موسسات مالی امپریالیستی که اکثرا صرف ورود یکباره سیلی از کالاهای بنجل مصرفی و یا لوکس و غیر تولیدی (نظیر ورود هزاران خودروی لوکس) شد کشور را تا خرخره زیر بار وام های اخذ شده برد ، و به بهای پر شدن جیب عده ای از سرمایه داران زالو صفت وابسته و اعوان و انصارشان کار و کسب بسیاری از توده های زحمتکش ویران گشته و هزاران هزار تن از کارگران و اقشار فقیر و تهیدست به خاک سیاه نشانده شدند. در چنین شرایطی بود که رفسنجانی مزدور با وقاحت تمام به دلیل انجام این جنایات به خود لقب "سردار سازندگی" داد.

این روند که بدون شک تشدید کننده میزان وابستگی جامعه تحت سلطه ما به غارتگران بین المللی در ایران است در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد ادامه یافته و درست به همین دلیل است که احمدی نژاد جنایتکار و دروغگو با تداوم چنین سیاستی به جای تقسیم "پول نفت" بر سفره تهی کارگران ما، آن را با سرعت بیشتری به جیب بزرگترین دولتهای امپریالیستی و طبقه بورژوازی فاسد وارد کننده عمده، کار و بار این بخش از سرمایه داران وابسته و دلال وطنی گسترش بیشتری یافته است. با توجه به این امر که کالاهای وارداتی از قدرت رقابت بیشتری برخوردار اند این امر باعث شده است که عملا بساط بسیاری از تولیدات داخلی و کارخانجات متعلق به بخش دیگر سرمایه داران وابسته به هم بریزد که خود باعث گسترش هر چه بیشتر بیکاری گردیده است. به این ترتیب است که می بینیم با تعطیلی این کارخانجات و واحد ها هزاران تن از کارگران و خانواده هایشان هستند که معمولا بدون دریافت کمترین حقوق و بدون برخورداری از حداقل حمایت مادی و معنوی، گرسنه و بیکار در جامعه رها می شوند. نگاهی به فاجعه ای که در اثر پیشبرد این سیاست در جهت تامین منافع بخشی از سرمایه داران زالو صفت حاکم برای ده ها هزار تن از کارگر و

انتشار آمار مربوط به فعالیتهای اقتصادی دولت در ۶ ماه اول سال جاری فرصتی شده تا یکبار دیگر برده از اوضاع وحشتناک و بحران اقتصادی نظام حاکم برداشته شود. در این گزارش آمار مربوط به میزان واردات و صادرات و رشد تورم و بیکاری، رکود فزاینده در واحد های تولیدی و آنهم برغم درآمدهای سرشار نفتی نشان می دهد که تداوم این نظام همانگونه که در ۲۰ سال گذشته ثابت شده نتیجه ای جز فقر و محرومیت بیشتر برای کارگران و توده های زحمتکش و ثروت فزونیتر برای عده ای از دزدان غارتگر حاکم و اربابان جهانپیشان نداشته و نخواهد داشت. پرداختن به هر یک از جوانب این گزارش به نوبه خود حاوی واقعیات دردناکی ست، اما یکی از جنبه های گزارش اخیر در مورد وضع اقتصادی عبارت از رشد چشمگیر میزان واردات از کشورهای امپریالیستی و دولتهای غارتگر جهانی ست که توجه به آن می تواند تا حدودی ماهیت ضد خلقی رژیم حاکم بر کشور ما را نشان دهد. در گزارش مزبور مطرح می شود که میزان واردات جمهوری اسلامی در ۶ ماه گذشته ۲ برابر میزان صادرات بوده است که خبرگزاری ایلنا از این واقعیت به عنوان "معجون تجارت خارجی ایران در شش ماه نخست امسال: واردات، دو برابر صادرات" نام برده است.

واقعیت این است که یکی از ویژگیهای برجسته سیستم اقتصادی وابسته به امپریالیسم ایران تحت حکومتهای شاه و جمهوری اسلامی این امر بود و هست که همواره واردات بر صادرات کالاهای غیر نفتی برتری داشته است. این رژیم های وابسته با واردات انبوه و بی رویه کالا و خدمات از کشورهای امپریالیستی، باعث شده اند که ایران به یک کشور مصرف کننده کالاهای بنجل امپریالیستی تبدیل شود. چگونگی کارکرد این سیاست ضد مردمی - که از سوی طبقه مسلط در اقتصاد ایران یعنی بورژوازی وابسته در زمان حکومت جمهوری اسلامی و برخلاف شعارهای عوامفریبانه "ملی" و "ضد امپریالیستی" این رژیم با شدت تمام ادامه دارد - بر این اساس قرار داشته که دولت حاکم در هر مقطع با فروش و حراج منابع عظیم نفت و گاز و سایر ثروتهای ملی در بازارهای جهانی نفت و گاز و... که کنترل آنها در دست دولتها و انحصارات امپریالیستی قرار دارد، ارز حاصل از آن را نه برای رشد و انکشاف یک سیستم اقتصادی با برنامه، دمکراتیک و در جهت نیازهای توده ها بلکه مطابق نیازهای گردانندگان بازارهای جهانی خرج کرده است. به این معنی که هر ساله متناسب با عروج و فرود قیمت نفت میلیاردها دلار ارز حاصل از فروش آن که استخوانبندی سیستم اقتصادی انگلی و تک محصولی جامعه ما را تشکیل می دهد در درجه اول صرف خرید سلاح و تسلیح ارتش و سپاه پاسداران و گسترش ماشین سرکوب (که همیشه ابعاد و حجم آن از چشم مردم پنهان نگاهداشته می شود) بر علیه مردم شده و در درجه بعد نیز به واردات انبوهی از کالاهای مصرفی و غیر مولد اختصاص یافته است.

نیعات منفی و خانه خراب کن چنین کارکردی یعنی باز کردن هر چه بیشتر دروازه های اقتصادی کشور به روی کالاهای امپریالیستی که اساسا به نفع بخشی از بزرگترین سرمایه داران و آقا زاده های میلیاردی فعال در بخش تجاری می باشد، مستقیما بر روی دوش میلیونها تن از کارگران، دهقانان و اقشار زحمتکش و صاحبان کسب و کارهای خرد منتقل شده است. به علت قائل شدن تسهیلات رنگارنگ دولتی برای تجارت و سرمایه داران وارد کننده عمده، کار و بار این بخش از سرمایه داران وابسته و دلال وطنی گسترش بیشتری یافته است. با توجه به این امر که کالاهای وارداتی از قدرت رقابت بیشتری برخوردار اند این امر باعث شده است که عملا بساط بسیاری از تولیدات داخلی و کارخانجات متعلق به بخش دیگر سرمایه داران وابسته به هم بریزد که خود باعث گسترش هر چه بیشتر بیکاری گردیده است. به این ترتیب است که می بینیم با تعطیلی این کارخانجات و واحد ها هزاران تن از کارگران و خانواده هایشان هستند که معمولا بدون دریافت کمترین حقوق و بدون برخورداری از حداقل حمایت مادی و معنوی، گرسنه و بیکار در جامعه رها می شوند. نگاهی به فاجعه ای که در اثر پیشبرد این سیاست در جهت تامین منافع بخشی از سرمایه داران زالو صفت حاکم برای ده ها هزار تن از کارگر و

شکاف "بین خواستهای توده ها... از صفحه ۴

همانطور که می دانیم اینها "رهنمود" هائی هستند که هر روز بیشتر از سوی جوانان و زنان و توده های به پا خاسته ما زیر پا گذارده شده و ناکامی بیشتری را نصیب این رهبران ادعایی می کند. البته این ها در طول ماه های اخیر خودشان نیز بارها با استیصال اعلام کرده اند که مردم معترض و بیجان آمده برغم درخواست آنها به خیابان می آیند و در اوایل نیز در شرایطی که آنها حداکثر خواهان راهپیمایی با "سکوت"، بودند معترضین وقتی به رهنمودهای آنان نگذاشته و در هر تجمعی به محض پیدا کردن کوچکترین فرصتی با صدای بلند و رسا فریاد "مرک بر دیکتاتور" و "مرک بر رهبر" و "مرک بر خامنه ای"، و مرک بر دیکتاتور و ... را سر داده و می دهند و علیرغم رهنمود آنها با مزدوران سرکوبگر جمهوری اسلامی درگیر می شوند. اعترافی که خود بیش از هر ادعایی نشان می دهد که جنبش توده های بی پا خاسته ایران یک جنبش خودبخودی فاقد رهبری بوده و اینان هرگز رهبر آن نبوده و نیستند. واقعیت فوق که بطور مشخص انعکاس خود را در راهپیمایی روز قدس و سپس به طور برجسته حواله تری در تظاهرات ۱۲ آبان در چند شهر نشان داد باعث شده که در چارچوب تضادهای موجود در بین محافل امپریالیستی برجسته چگونگی برخورد به بحران در ایران، برخی از رسانه های امپریالیستی نیز مجبور به اعتراف به واقعیت عدم موفقیت و ورشکستگی رهبری "اصلاح طلبان" بر جنبش توده ای جاری که در حقیقت فاقد رهبری ست بشوند و بر "شکاف" بین خواستههای توده های به پا خاسته با دارو دسته موسوی و کروبی تاکید کنند. در همین رابطه اخیرا نشریه "فازین پالیسی" که در آمریکا منتشر می شود در تحلیلی راجع به وقایع جاری در ایران در حالی که سعی کرده است از خاتمی، موسوی و کروبی به عنوان رهبر نام برد ولی آشکارا اعتراف کرده که "مردم معترض خواست هایی به مراتب رادیکال تر از خواست های موسوی و کروبی دارند" نشریه "فازین پالیسی" در ادامه تحلیل خود از اوضاع ایران می نویسد که "واقعیت این است که هیچ کدام از آقایان موسوی، خاتمی و کروبی قبل از انتخابات فکر این را هم نمی کردند که پس از انتخابات ۲۲ خرداد وارث یک جنبش عظیم اعتراضی داخلی علیه دولت احمدی نژاد خواهند شد. بنابراین این ۲ رهبر جنبش سبز کمترین میزان نقش را در سازماندهی و هدایت جنبش اعتراضی موجود در ایران دارند".



شکاف " بین خواست های توده ها

و خود "رهبر" خوانده ها

تداوم خیزش بزرگ توده ای در شهر های مختلف و محو شدن آشکار شعارهایی نظیر "رای من چی شد" و وسعت یابی شعارهای رادیکال در آن که بیانگر شدت یابی تضاد آشتی ناپذیر اکثریت قریب به اتفاق توده های تحت ستم ایران با استبداد و نظام استعمارگرانه حاکم می باشد ؛ خشم و ترس اصلاح طلبان حکومتی و مرتجعین طرفدار آنان را برانگیخته است. در این چارچوب روزی نیست که ما شاهد انتشار ده ها مقاله و نوشته و مصاحبه و گفتگو از سوی طیف وسیعی از "اصلاح طلبان" حکومتی و غیر حکومتی گرفته تا نیروهای سازشکار و منززل نباشیم که در هر یک از آنها با حرارت تمام سعی می شود که ضمن تقیح شعارهای مبارزاتی توده های به پا خاسته نسبت به رادیکالیته شدن حرکات اعتراضی خود بخودی مردم و عبور آنها از چهارچوب نظام حاکم هشدار داده شود. البته معلوم است که هدف این فعالیتها و تلاشها لگام زدن به جنبش توده ها و مهار پتانسیل انقلابی آن است. چرا که سازمان دهندگان و مروجان این ایده ها که اتفاقا فضای بسیار زیادی را برای تبلیغ نظرات انحرافیشان دارند می دانند که تداوم و انفجار این پتانسیل در صورتی که مهار نشود می رود تا کل نظام سرکوب و ستم حاکم را به همراه تمامی جیره خواران و مدافعانش به گورستان تاریخ بسپرد. یکی از نکات مربوط به این کارزار اظهارات و رفتار نیروهای وابسته به موسوی و کروبی و شرکاء است که با آن که در همه جا می کوشند خود را از پیش از انتخابات "مهندسی شده" ریاست جمهوری، باصطلاح "رهبر" اعتراضات مردمی و مورد قبول و احترام اکثریت توده های بجان آمده جا بزنند، و اعتراضات ضد رژیم جاری را به نام خود ساخته "راه سبز" و "جنبش سبز" به نفع اهداف ضد انقلابیشان مصادره کنند، و این البته در شرایطی است که همین باصطلاح رهبران بلامنازع پس از هر تظاهرات توده ای مجبور می شوند به میدان آمده و با صدور اعلامیه و اطلاعیه و ویدئو کلیپ، فریاد برآورند که مردم نباید شعارهای "ساختار شکنانه" سردهند و از شعار و خواست "جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر نه یک کلمه کمتر" تخطی کنند و با جدا کردن "صفوف" خود از "اخلال گران" نگذارند تا "ضد انقلاب" (بخوان میلیونها تن از توده های تشنه آزادی و عاصی و بجان آمده از ۳۰ سال مصائب رژیم) به صفوف آنها نفوذ کنند.

صفحه ۳

شب همبستگی بین المللی با زندانیان سیاسی

متحد شویم و برای آزادی زندانیان سیاسی در سراسر دنیا مبارزه کنیم!

برنامه شامل:

• سخنرانی ویجت

(حول تحولات جاری و مبارزات زندانیان سیاسی در کشورهای مختلف با شرکت سخنرانی از سوی نیروهای مبارز و مترقی برزیل، هندوستان، ایران، نیلین ترکیه و آمریکا)

• بیانیه ها و پیامهای همبستگی

• موسیقی انقلابی و برنامه های فرهنگی در همبستگی با زندانیان سیاسی

• فیلم مستندی از مقاومت توده های زهینکشی هند در Lalgargh

زمان: ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه ۲۸ نوامبر

مکان: ساین کتابخانه مرکزی ایزینگتون

2 Fieldway Crescent
London N5 1PF

نزدیکترین ایستگاه قطار:

Holloway Rd (Piccadilly Line)
Highbury & Islington (Victoria Line)

برگزار کنندگان:

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران - لندن

کمیته بین المللی همبستگی با زندانیان سیاسی (UPOTUDAK)

سازمان دیمکراتیک ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان

انجمن کارگران هندوستان - بریتانیا (IWA-GB)

مهاجرین بین المللی (اتحاد مهاجران نیلین)

کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی آزاده (OTDK)

دوربینچی دیمکراسی (شریکه دیمکراسی انقلابی) ترکیه

حمایت کنندگان:

مرکز همبستگی با مهاجرین بین المللی - لندن

لیگ بین المللی مبارزات مختلفا

نویشدن و فدائیان بین المللی از کشورهای هندوستان، ترکیه، ایران

برای کسب اطلاعات بیشتر و ارسال پیام همبستگی با ای میل زیر تماس بگیرید.

Pol.prisoners@gmail.com

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfq@hotmail.com

آدرس پست الکترونیک:

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

